



میراث فکری- فرهنگی سید شهیدان اهل قلم

منزلت «حق» و «خلق» در مکتب آوینی

هنوز هم شهید آوینی بزرگترین روایتگر روزگار ماست



یادمان

حمید حبیبی

خبرنگار

دکتر حسین کچویان معتقد است آنچه آوینی را آوینی کرد «نکته‌گویی‌های بهنگام» اوست: «آنچه شهید آوینی سی سال پیش طرح کرده است برای امروز جامعه ما نکته قابل تأملی است. از نظر او، «دهکده جهانی» در نهایت به تهی شدن غرب از معنا و چرخش‌های روزگار خود خشنود است؛ چراکه معتقد است این سرعت و شتاب تحولات در نهایت به انحطاط غرب خواهد انجامید. هرچند که امروز این فهم (یعنی تهی بودن غرب) به سطوح عامه جامعه هم منتقل شده است اما در زمان شهید آوینی، رسیدن به چنین نکته‌ای، فهم دوری را طلب می‌کرد و از درک عمیق و شناخت درست او از مسائل زمانه‌اش گواهی می‌دهد.» (اردیبهشت ۱۴۰۲، جلسه نقد و بررسی مقاله «انفجار اطلاعات» مرتضی آوینی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی)

به قول هایدگر «هر آن بودگی» بزرگترین هنر انسان است که این هنر را شهید آوینی به تمام و کمال به کار گرفت و «حضور بهنگام در میدان» می‌تواند میراث فکری و فرهنگی او برای نسل امروز ما باشد. در این یادداشت تلاش می‌کنیم فرازهای سلوک فکری و عملی او را بازخوانی کنیم. اغلب مرتضی آوینی را به واسطه سینما و مستندهای «روایت فتح» می‌شناسند اما «روایت پیشرفت» او و نسخه‌ای که برای توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی در نظر داشت هم در مکتب فکری‌اش یافت می‌شود که هنوز برای نسل جدید برخی ابعاد آن ناشناخته است که در اینجا به برخی مؤلفه‌های آن اشاره می‌کنیم.

منزلت «حق» و «خلق» در مکتب آوینی

هنر شهید آوینی بر اصول فکری استوار بود که باعث می‌شد، خروجی آثارش «هنر متعهد» و «هنر انقلابی» شود. از همین رو است که سال‌روز شهادتش را در تقویم ما «روز هنر انقلاب اسلامی» نام‌گذاری کرده‌اند. از نظر او، هنرمند اساساً متعهد است یا متعهد به امر الهی یا متعهد به امر شیطانی است. خود او با تعهدی که به ولایت الهی داشت به عنوان هنرمندی متعهد شناخته می‌شد که دو اصل «معنویت» و «انسانیت» را محور افکار و آثار خود قرار می‌داد و با در نظر گرفتن «حق» در کنار «خلق» منش فکری- فرهنگی را اصالت بخشید که هنوز بعد از گذشت ۳۱ سال از شهادت او، غبار تاریخ بر مکتب فکری او ننشسته و می‌تواند میراثی گرانبها برای نسل امروز ما باشد.

هنری که شهید آوینی به آن متعهد بود هنری است که انقلابی در «حال و قال و کردار» انسان معاصر ایجاد می‌کند و رابطه و نسبتش را با حق و خلق تبیین و تنظیم می‌کند. از این رو، در نگاه شهید آوینی «طی طریق درست» قطب‌نمای هنرمند متعهد می‌شود.

ایستادن در مرز میان روشنفکران و سنت‌گرایان

ویژگی بارز شهید آوینی «تحول‌گرایی» او نبود چنانکه نه در اردوگاه روشنفکران می‌نشست و نه در مسلک سنت‌گرایان هضم می‌شد. همین مشی تحول‌خواهانه او باعث شد مرز روشنی با روشنفکران و سنت‌گرایان افراطی زمانه خود پیدا کند. از همین رو بود که بسیاری از مدعیان فکری و فرهنگی زمانش، مشی نظری و عملی او را برنمی‌تافتند و به صف منتقدانش می‌پیوستند.

برخی بر این باورند که آرا و نظرات شهید آوینی بسیار متأثر از مکتب فکری شهید مطهری است و گروهی هم هستند که پیش از همه او را به مرام فکری سید احمد

پیوند «نظر» و «عمل» در سلوک فرهنگی شهید آوینی

پیوند بین «نظر»، «عمل» و «مردم» در سلوک فرهنگی شهید آوینی آنچنان برجسته بود که موجب وجه تمایز او با دیگر هم‌مسلكانش می‌شد. او سعی داشت از رهگذر هنر، تقاضات حق از باطل را برای مخاطبش آشکار کند؛ چون معتقد بود به واسطه هنر و فرهنگ می‌توان مردم را از «دولت اسلامی» به «جامعه اسلامی» گذر داد.

بُعد نظری- فکری شهید آوینی وقتی «سردبیر ماهنامه سوره» بود، برجسته‌تر است: آنجا که در سرمقاله‌هایی به مقابله با جریان می‌رفت که سعی داشت جامعه را از تفکر اسلامی و فرهنگی دینی تهی کند. او در قامت یک روزنامه‌نگار، تلاش داشت جبهه رسانه‌ای را شکل دهد که حافظ و تقویت‌کننده رویکرد انقلابی در جامعه باشد.

مانیفست آوینی:

«بیان معنوی در قالب هنری»

شهید آوینی با شناختی که از فلسفه و هنر غرب داشت، به آفات دانش مدرن و نقاط ضعف آن واقف بود. بنابراین توانست با ادبیاتی مدلل و البته در قالب هنری و فکری

آسیب‌های آن را به جامعه بشناساند، بدون اینکه ضدیتی با آن داشته باشد. همین مواجهه آگاهانه با فرهنگ و تمدن غرب «ماندگاری در تاریخ معاصر» را سهم او و آتش کرد. از همین روست که هنوز این نیاز احساس می‌شود که از او و کارهایش برای نسل جدید بگوئیم و منظومه فکری‌اش را برای جوانان رمزگشایی کنیم. کتاب «توسعه و میانی تمدن غرب» گواهی بر عمق شناخت او از غرب و تمدن غربی است و مستند «روایت فتح» گواهی مرانامه فکری و فلسفی او در قالب هنری است. در واقع «بیان معنوی در قالب هنری» و توجه میانی به «هویت» و «فرهنگ»، مانیفست فکری شهید آوینی را قوام می‌بخشد. او معتقد است «دین» و «ملیت» همچون دو بال هویتی ماست و یکی بدون دیگری، پرواز را برای ما ناممکن خواهد کرد.

برخورد «دردمندان» و «درک‌مندان» با جهان مدرن

«مواجهه فعالانه با پدیده‌های نوین» راه حل او برای گذر از چالش‌های دنیای مدرن و تکنولوژی جدید بود. به عنوان مثال در مقاله «انفجار اطلاعات» به موضوع «ماهواره» و رسانه‌های نوپدید می‌پردازد و عنوان می‌کند که به جای سنتز و انفصال در برابر تکنولوژی مدرن، «مواجهه مجاهدانه» را باید برگزید تا بتوان از ظرفیت‌های تکنیک مدرن برای پیشرفت جامعه استفاده کرد، چراکه معتقد بود امکان گریز از فناوری‌های غربی وجود ندارد و این گریزناپذیری باعث می‌شود تا ما «مواجهه فعالانه» با تمدن غرب داشته باشیم: «من به ولایت مطلق تکنیک معتقد نیستم. ولایت تکنیک یک حقیقت است؛ اما مقید نه مطلق»

شهید آوینی نقطه ضعف تمدن غربی را «فقر معنوی و فرهنگی» آن می‌دانست در حالی که «غنا معنوی و فرهنگی» ما را موتور پیشران تمدن ما معرفی می‌کرد که باعث می‌شود بتوانیم در برابر آنان حرفی برای گفتن داشته باشیم. تلاش او برای عملی کردن این نظر، به خلق آثار و آرای انجامید که اکنون ما بعد از ۳ دهه، وقتی آنها را بازخوانی می‌کنیم گویا برای تحلیل مسائل امروز ما نگاشته شده‌اند و هنوز هم می‌توانند برای چالش‌های امروز ما افق‌گشا باشند.

روی گشاده او به امور نو، جهان بینی وسیع او را به ما گوشزد می‌کند. این نگاه فراخ او به جهان اطرافش در مجموعه آثارش هم

قابل بازشناسی است از جمله حلزون‌های خانه‌به‌دوش (جریان روشنفکری و انقلاب اسلامی)، آغازی بر یک پایان (انقلاب اسلامی و پایان انتظار)، رستاخیز خون (روایت محرم)، آینه جادو (سه جلد شامل مقالات، گفت‌وگوها و نقدها و سخنرانی‌های سینمایی)، گنجینه آسمانی (گفتار متن فیلم‌های روایت فتح)، نسیم حیات (گفتار متن فیلم‌های مستند)، نامه‌ای به یک دوست قدیمی... او در آثارش سعی داشت راهی برای خودشناسی انسان امروز باز کند. به قول مصطفی عقاد، فیلمساز فقید سوری، «هنوز هم شهید آوینی بزرگترین روایتگر روزگار ماست». برخورد درمندانانه و درک‌مندانانه با جهان مدرن، ویژگی بارز مکتب آوینی است که ما امروزه برای گذر از چالش‌هایمان بشدت به آن نیازمندیم.

دشمنان دانا و دوستان نادان با توطنه‌شدن یا او مقابله کردند

این یادداشت را با نقل قولی از دکتر کچویان آغاز کردیم و با نوشتاری از دکتر رضا داوری در «مجله سوره اندیشه» پایان می‌دهیم که در روزهای پایانی حیات زمینی شهید آوینی، دوستی نزدیکی بین‌شان شکل گرفته بود: «او کسی بود که هرچه به او نزدیک‌تر می‌شدی بزرگی‌اش بیشتر ظاهر می‌شد؛ زیرا اهل تقاضا و روی و ریا و خودنمایی نبود. او برای مزد کار نمی‌کرد و طالب تحسین و آفرین نبود. با اینکه تواضع بسیار داشت و نظر سرد و بی‌اعتنا به رنگ‌های تعلق می‌نگریست و به این جهت آرام و باوقار بود. و عجیباً که دشمنان دانا و دوستان نادان با او با توطنه سکوت مقابله کردند. نگاه آوینی گاهی نیز به نگاه پرسشگر اهل هنر و فلسفه مبدل می‌شد. او نظم و ترتیب عجیبی داشت و هیچ‌وقت و هیچ‌وقت خلع و عود نمی‌کرد. فقط یک بار و برای آخرین بار به وعده وفا نکرد. روز چهارشنبه ۱۸ فروردین که از هم جدا شدیم، گفت: پنجشنبه به فکه می‌روم و سه‌شنبه یا چهارشنبه هفته آینده می‌توانیم یکدیگر را ببینیم. نوشته‌ای هم از کتف‌اش درآورد و به من داد و گفت: این نوشته نامشام است؛ آن را بخوان. گفتم: بهتر نیست آن را تمام کنی؟ گفت: نه. نوشته را به من داد و خداحافظی کرد و رفت و این یادگار او اکنون پیش من است. سه روز بعد خبر شهادتش را آوردند. خبر او را و نیز لایق آن خبر بود.»

آنچه آوینی را آوینی کرد

دکتر حسین کچویان معتقد است آنچه آوینی را آوینی کرد «نکته‌گویی‌های بهنگام» اوست: «آنچه شهید آوینی سی سال پیش طرح کرده است برای امروز جامعه ما نکته قابل تأملی است. از نظر او، «دهکده جهانی» در نهایت به تهی شدن غرب از معنا و انحطاط آن منتهی می‌شود و احتمالاً به همین دلیل است که شهید آوینی از تحولات و چرخش‌های

روزگار خود خشنود است؛ چراکه معتقد است این سرعت و شتاب تحولات در نهایت به انحطاط غرب خواهد انجامید. هر چند که امروز این فهم (یعنی تهی بودن غرب) به سطوح عامه جامعه هم منتقل شده است اما در زمان شهید آوینی، رسیدن به چنین نکته‌ای، فهم دوری را طلب می‌کرد و از درک عمیق و شناخت درست او از مسائل زمانه‌اش گواهی می‌دهد.»



نیم نگاه

چالش‌های «علوم شناختی دین» برای جوامع دینی

سایه سکولاریسم بر دیوار علم

فلسفه



دکتر حسن عبدی

مدیر گروه فلسفه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۱. «علوم شناختی دین» از شاخه‌های علوم شناختی (Cognitive Sciences) است و علوم شناختی به مجموعه مطالعاتی درباره ذهن گفته می‌شود که نمودهای آگاهی و هوشمندی انسان همچون استدلال، احساس، تفکر، ادراک، حافظه و... را بررسی می‌کند. در واقع این علم، فرآیندهایی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که به صورت ناآگاهانه اما به نحو شناختی تحقق می‌یابد. از این رو، علوم شناختی به دنبال یافتن پاسخی برای این دست از پرسش‌هاست: ذهن چیست؟ چه تفاوتی با مغز دارد؟ فعالیت ذهن چگونه است؟ عادات و رفتار ما در شکل‌دهی به فرآیندهای ذهنی چه سهمی دارند؟ و... اما «علوم شناختی دین» به ابعادی از مطالعات ذهن می‌پردازد که به پدیده‌های دینی مربوط می‌شود.

۲. علوم شناختی مبتنی بر علوم تجربی است و علوم تجربی هم متکی به نگاه

امروزه بسیاری از شیفت‌های دینی ما ناشی از تحقیقات «علوم شناختی دین» است. از این رو، شناخت دقیق این علم برای محققان و پژوهشگران ما یک ضرورت است تا بتوانیم از طریق تعمق و مذاقه در آن، ابزارهایی برای تقویت باورهای دینی در جامعه فراهم کنیم.



corbis



ما می‌توانیم با حفظ دیانت و شریعت به جدیدترین عرصه‌های علمی دنیا مثل «علوم شناختی دین» ورود کنیم و نسبت به شیهات برخاسته از یافته‌های علوم شناختی دین مواجهه‌ای فعال و منطقی داشته باشیم

فیزیکالیستی به انسان است و این رویکرد فیزیکالیستی از مهم‌ترین خاستگاه‌های الحاد به‌شمار می‌رود. چرا که هر چیزی خارج از ساحت فیزیکال را به‌عنوان نیستی و توهم تشخیص می‌دهد و فقط آنچه را قابل ارزش و اعتنا می‌داند که توسط علم فیزیک امکان بررسی داشته باشد. از همین رو است که برخی مباحث علوم شناختی دین می‌تواند پیروان ادیان را در باور به معاد دچار تردید کند.

تمدن غربی مدت‌هاست که نقش دین در هدایت بشر را نادیده گرفته است. چرا که تمدن غربی با تأکید بر علوم تجربی به یافته‌های بسیاری در علوم شناختی دست یافته است که بخشی از آنها برای دین و دینداران چالش ایجاد می‌کند.

۳. ارتباطات ناگزیر تمدن اسلامی با تمدن غربی می‌تواند زمینه‌های ورود نگرش فیزیکال به انسان و

چالش‌هایی را که به دنبال دارد به قلمرو تمدن اسلامی فراهم کند. برای اینکه بتوانیم از این چالش‌ها گذر کنیم باید با تمدن غربی و آورده‌هایش «مواجهه فعال» داشته باشیم. اگر در تمدن اسلامی رویکرد «مواجهه فعال» اتخاذ نشود، چه‌بسا ابعاد اسلامیت تمدن ما با چالش مواجه شود و راه برای ورود سکولاریسم به فرهنگ و تمدن اسلامی هموار شود. بنابراین برای مواجهه فعال با چالش‌های علوم شناختی دین باید نسبت به مواجهه منطقی و معقول با عناصر دین‌زدایی در ساحت علوم تجربی مقابله کنیم. ما می‌توانیم با حفظ دیانت و شریعت به جدیدترین عرصه‌های علمی دنیا مثل «علوم شناختی دین» ورود کنیم و نسبت به شیهات برخاسته از یافته‌های علوم شناختی دین مواجهه‌ای فعال و منطقی داشته باشیم.